

- ۶ - مراجعه شود به « تحلیل طبقات جامعه چین » یادداشت ۱ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد اول .
- ۷ - حزب دموکرات سوسیالیست در اوت ۱۹۴۶ از آمیزش « حزب مشروطه خواه دموکرات » و « حزب ناسیونال سوسیالیست » بوجود آمد . این حزب بطور عمده از سیاستمداران ارتجاعی و فرومایه ترین افراد محافظ فئودالی دوره دیکتاتورهای نظامی شمال تشکیل میشد .
- ۸ - اشاره است به سیاستمداران بی وجدانی نظیر وان یون او ، فوسی نیان و هو جن جی که خود را بعنوان شخصیت‌های نا وابسته باحزاب جا میزدند و در واقع آرایشگر « مجلس ملی » ساخته و پرداخته چانکایشک بودند .
- ۹ - در ۱۶ ژانویه ۱۹۴۷ دولت گومیندان در اثر شکستهای پی در پی تعرضهای نظامی و خرابتر شدن مداوم وضعیت نظامیش بوسیله سفیر آمریکا در چین جان لیتون استوارت ، از حزب کمونیست چین اجازه خواست که نمایندگان خود را به یین ان برای « مذاکرات صلح » بفرستد و منظورش این بود که فرصتی برای تدارک تعرض جدید بدست آورد . این حيله جديد آمریکا و چانکایشک بیدرنگ بوسیله حزب کمونیست چین کاملاً افشا شد . حزب کمونیست چین اعلام داشت که مذاکرات را نمیتوان از سر گرفت مگر آنکه لااقل دو شرط تحقق پذیرد : (۱) الغاء باصطلاح قانون اساسی که با نقض تصمیمات کنفرانس مشورتی سیاسی بوسیله چانکایشک ساخته و پرداخته شده است ؛ (۲) تخلیه همه سرزمینهای مناطق آزاد شده که سپاهیان گومیندان پس از آنکه موافقت نامه متارکه ۱۳ ژانویه ۱۹۴۶ قوت قانونی یافته است تسخیر کرده اند . در غیر این صورت نمیتوان تضمین کرد که گومیندان موافقتنامه ای را که در اثر « مذاکرات » جدید منعقد شود دوباره از هم نخواهد درید . وقتیکه دولت گومیندان دریافت که حيله « صلح » وی در نمیگیرد در روزهای ۲۷ و ۲۸ فوریه به کلیه نمایندگان حزب کمونیست چین که در نانکن ، شانگهای و چون چینگ برای مذاکره و برقراری ارتباط اقامت داشتند دستور داد آنجا را ترک کنند و قطع شدن نهائی مذاکرات میان گومیندان و حزب کمونیست چین را اعلام داشت .
- ۱۰ - اشاره است به « رهنمود درباره مسئله ارضی » صادر از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مورخ ۴ مه ۱۹۴۶ . مراجعه شود به « ترازنامه سه ماهه » یادداشت ۴ ، جلد حاضر .
- ۱۱ - « برقراری تعادل » در مناطق آزاد شده قدیم که اصلاح ارضی نسبتاً کاملی در آنها اجرا شده بود بعنوان يك اقدام سیاسی عملی گردید . هدفش عبارت

بود از حل مسئله کمبود اراضی و سایر افزارهای تولید که بعضی از دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی بدان دچار بودند و همچنین سایر مسایلی که در موقع اصلاح ارضی معلق مانده بود . باین طریق که بوضع زمین و سایر افزارهای تولید در چارچوب نسبتاً محدودی تجدید نظر میشد تا ترتیب منطقی تری داده شود ؛ از کسانی که بهترش را داشتند میگرفتند و بکسانی میدادند که بآن خوبی نداشتند ؛ از کسانی که زیاد داشتند میگرفتند و بکسانی میدادند که کم داشتند .

در باره ترك موقت بين ان و دفاع از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا — دو سند از کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

(نوامبر ۱۹۴۶ و آوریل ۱۹۴۷)

۱ — رهنمود ۱۸ نوامبر ۱۹۴۶

چانکایشک در بین بست افتاده است . او از دوراه میخواهد بر حزب
با ضربه بزند و خود را تقویت کند ؛ از راه دعوت "مجلس ملی" و از راه
حمله بر بین ان . ولی در واقع به نتیجه معکوس خواهد رسید . خلق چین

این دو سند را رفیق مائو تسه دون تهیه کرده است . سند نخستین در بین ان در
زمستان ۱۹۴۶ ، در هنگامی که سپاهیان گومیندان برای حمله بر بین ان آماده میشدند ،
نوشته شده است ، و سند دوم در چینگ یان چا ، در شهرستان حن شان ، در شنسی
شمالی ، بیست روز پس از اشغال بین ان بدست سپاهیان گومیندان که در ۱۹ مارس
۱۹۴۷ صورت گرفت . چانکایشک پس از آنکه نقشه تعرض عمومی وی بر مناطق
آزاد شده با شکست روبرو شد بمنظور نجات رژیم محتضر خویش با اقدامات

با آن "مجلس ملی" که سرپا ساخته و پرداخته چانکایشک میباشد و هدفش تجزیه ملت است قطعاً مخالف است. روز افتتاح این مجلس آغاز انهدام دارودسته چانکایشک است. اینک که ما ۳۵ تیپ (۱) از سپاهیان چانکایشک را نابود ساخته ایم و قدرت تعرضی آنها رو به زوال است اگر هم بین آن را با حمله ناگهانی بتصرف در آورند این امر بهیچوجه دورنمای کلی پیروزی در جنگ آزادیبخش توده‌ای را تیره نمیسازد و چانکایشک را از فرجامی که در انتظار اوست رهایی نخواهد بخشید. خلاصه چانکایشک در طریق هلاک رهسپار است؛ همه فریبکاری او از روی این بازی دوگانه آشکار میشود: دعوت "مجلس ملی" و حمله برین آن، و این امر به پیشرفت جنگ آزادیبخش توده‌ای کمک خواهد کرد. ما باید در هر منطقه بمردم، اعم از عضو حزب و غیر آن، این دو اقدام چانکایشک را بخوبی توضیح دهیم: دعوت "مجلس ملی" و حمله برین

جنون‌آمیزی دست زده باصطلاح مجلس ملی را دعوت کرد، نمایندگان حزب کمونیست چین را از مناطق گومیندان راند، و به حمله برین آن، جایگاه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مبادرت ورزید. همانطور که در این اسناد پیش‌بینی شده است اقدامات چانکایشک به اضمحلال خود او در عرصه سیاسی منجر گردید. در عرصه نظامی، چانکایشک در صدد برآمد به "حملات متمرکز" دست بزند و نیروهای خویش را در جناحهای شرقی و غربی مناطق آزاد شده یعنی منطقه آزاد شده شان دون و منطقه آزاد شده شنسی - گان سو - نین سیا گرد آورد. در آنجا نیز شکست کامل نصیب وی شد. سپاهیان گومیندان که پسر منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا حمله می‌آوردند بیش از ۲۳۰,۰۰۰ تن بودند و حال آنکه شماره ارتش آزادیبخش توده‌ای شمال غربی در این منطقه فقط اندکی از ۲۰,۰۰۰ تجاوز میکرد. از اینجهت نیروهای دشمن توانستند بین آن و کلیه مراکز شهرستان‌های این منطقه را که ما بابتکار خویش ترك میکردیم بتصرف در آورند. معذک دشمن که میخواست

ان ، و بايد همه حزب ، همه ارتش و همه خلق را در مبارزه براي درهم شكستن تعرض چانكائيشك و براي ساختمان چين دموكراتيك متحد سازيم .

۲ - بخشنامه ۹ آوريل ۱۹۴۷

گوميندان بمنظور نجات رژيم محتضر خویش نه فقط باصطلاح خود مجلس ملی دعوت کرده ، نه فقط چیزی بنام قانون اساسی ساخته و پرداخته ، هیئت‌های نمایندگی حزب ما را از نانکن ، شانگهای و چون چینگ رانده و قطع پیوند میان گومیندان و حزب کمونیست چین را اعلام داشته است (۲) بلکه برین ان ، جایگاه کمیته مرکزی حزب ما و ستاد کل ارتش آزادیبخش توده‌ای ، و همچنین بر منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا حمله ور شده‌است .

دستگاه‌های مرکزی حزب کمونیست چین و ارتش آزادیبخش توده‌ای شمال غربی را نابود سازد و یا آنها را به گذار به مشرق رودخانه زرد مجبور گرداند به‌دفع خود نائل نیامد ، برعکس ، ارتش ما بارها ضربات سخت بر وی وارد آورد ؛ دشمن تقریباً ۱۰۰,۰۰۰ نفر از دست داد و سرانجام بحالت فلاکت‌باری از منطقه مرزی گریخت و حال آنکه ارتش ما برای آزادی سراسر شمال غربی پیروزمندانه به تعرض می‌پرداخت . بعلاوه ، ارتش ما در صحنه شمال غربی با نیروهای اندک ، واحدهای مهمی از نیروهای عمده دشمن را بسوی خویش جلب و آنها را نابود کرد و از این راه به سپاهیان ما که در سایر صحنه‌ها به پیکار مشغول بودند و بویژه به سپاهیان صحنه شان سی - سه به - شان دون - سه نان پشتیبانی نیرومند رسانید و یاری داد که زودتر به تعرض پردازند . رفیق مائو تسه دون ، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و ستاد کل ارتش آزادیبخش توده‌ای ، از مارس ۱۹۴۷ که ارتش ما ازین ان بیرون رفت تا لحظه‌ای که يك سال بعد به تعرض در شمال غربی پرداختیم ،

اگر گومیندان باین اقدامات دست میزنند بهیچوجه نشانه آن نیست که رژیمش نیرومند است بلکه نشانه آنست که بحران رژیمش بسیار عمیق شده است. حمله او برین ان و منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین میا کوشش نابخردانه‌ای است که بآن وسیله میخواهد نخست مسئله شمال غربی را حل کند، بازوی راست حزب ما را ببرد، کمیته مرکزی حزب ما و ستاد کل ارتش آزادیبخش توده‌ای را از شمال غربی براند و سپس سپاهیان خود را به حمله بر چین شمالی بگمارد و از این طریق بمنظور خویش که نابود ساختن جز بجز نیروهای ماست نائل آید.

در چنین احوالی کمیته مرکزی مقرر میدارد که :

۱ - ما باید به دفاع مصممانه و پیکارجویانه از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و مناطق آزادشده شمال غربی و به گسترش آنها پردازیم، و مسلماً میتوانیم باین هدف نائل آئیم.

پیوسته در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا باقی ماندند. این امر اهمیت سیاسی عظیمی داشت و اراده نبرد و ایمان به پیروزی را در ارتش و خلق در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و سایر مناطق آزاد شده کشور بر انگیزت و نیرو داد. رفیق مائو تسه دون هنگامی که در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا بود نه فقط همچنان به رهبری جنگ آزادیبخش توده‌ای در کلیه جبهه‌های کشور میپرداخت بلکه شخصاً فرماندهی جبهه شمال غربی را نیز برعهده داشت. بدین ترتیب هلی که در سند حاضر عرضه شده است یعنی "دفاع مصممانه و پیکارجویانه از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین میا و مناطق آزاد شده شمال غربی و گسترش آنها" موفقانه تحقق یافت. در مورد عملیات صحنه شمال غربی مراجعه شود به « رهنمودهایی برای عملیات در صحنه جنگ شمال غربی » و « درباره پیروزی بزرگ در شمال غربی و جنبش طراز نوین برای تربیت ایدئولوژیک در ارتش آزادیبخش »، جلد حاضر.

- ۲ - کمیته مرکزی حزب ما و ستاد کل ارتش آزادیبخش توده‌ای باید در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا باقی بمانند . سرزمین این منطقه چنان است که دشمن بسختی میتواند بر آن گذر یابد ، ما در آنجا پایگاههای خوبی در میان توده‌ها داریم ، در آنجا فضای وسیعی برای مانور وجود دارد و امنیت ما در آنجا کاملاً تضمین میشود .
- ۳ - در عین حال بمنظور آسان ساختن کار خودمان يك کمیسیون کار در جنب کمیته مرکزی تشکیل داده‌ایم و وظیفه‌اش اینست که به شان سی شمال غربی و یا نقاط مناسب دیگر برود تا وظائفی را که کمیته مرکزی باو محول ساخته است بانجام برساند .
- این سه تصمیم که در ماه گذشته اتخاذ شده اکنون بموقع اجرا در آمده‌است . سند حاضر ، شما را در جریان میگذارد .

یادداشتها

- ۱ - این آمار مربوط است به دوره بین آغاز ژوئیه و ۱۲ نوامبر ۱۹۴۶ .
- ۲ - در ۲۷ و ۲۸ فوریه ۱۹۴۷ ، همه اعضای هیئت‌های نمایندگی حزب کمونیست چین و کارکنان آن که بمنظور مذاکره و انجام وظائف ارتباط در نانکن ، شانگهای و چون چینگ بسر میبردند از طرف دولت گومیندان مجبور شدند که محل‌های خویش را در مهلت معین ترك گویند . روز ۱۵ مارس کمیته اجرایی مرکزی گومیندان پلنوم سوم خویش را تشکیل داد و در آنجا چانکایشک قطع پیوند میان گومیندان و حزب کمونیست چین را اعلام داشته ، گفت که مصمم است جنگ را تا پایان دنبال کند .

www.KetabFarsi.com

رهنمودهایی برای عملیات در صحنه جنگ شمال غربی

(۱۵ آوریل ۱۹۴۷)

۱ - اینک دشمن بسیار خسته شده ولی هنوز کاملاً از تاب و توان نیفتاده است . دشمن در تأمین خواربار با مشکلات قابل ملاحظه‌ای روبرو است ولی مشکلاتش فوق‌العاده زیاد نیست . اگر چه ارتش ما پس از نابود ساختن تیپ سی و یکم دشمن (۱) نیروی مهمی از دشمن را نابود نساخته است ، اما طی بیست روز اخیر توانسته است به هدف خویش یعنی فرسودن شدید دشمن و کاستن شدید خواربار او نایل آید و باین طریق شرایط مساعدی برای ناتوان کردن دشمن ، قطع خواربار و نابودی نهائی او فراهم آورد .

۲ - در حال حاضر ، دشمن علیرغم خستگی و کمبود خواربار

تلگرافی است که از طرف رفیق مائو سه دون به ارتش صحرائی شمال غربی مخابره شده است . این ارتش در آنموقع مرکب بود از ارتش آزادیبخش توده‌ای مناطق آزاد شده شنسی - گان سو - نین سیا و شانسی - سوی یوان تحت فرماندهی پون ده هوای ، حه لون ، سی جون سیون و سایر رفقا .

اصل عملیاتش عبارت از اینست که نیروهای عمده ما را به گذار بمشرق رودخانه زرد مجبور سازد و سپس سوی ده و می جی را به محاصره در آورد و نیروهای خود را برای "پاک کردن" سرزمین بچند ستون تقسیم کند. دشمن در ۳۱ مارس به چینگ جیان رسید ولی فوراً بسوی شمال پیش نرفت؛ مقصود دشمن این بود که گذرگاهی برای ما بگذارد. دشمن که بسوی مغرب یعنی وایائو بائو پیش میرفت، میخواست که ما را بسوی سوی ده و می جی براند. اینک که واحدهای ما را کشف کرده است، بسوی جنوب و مغرب وایائو بائو میچرخد و سپس دوباره بسوی این شهر کوچک باز خواهد گشت تا ما را بسوی شمال براند.

۳ - اصل عملیات ما عبارتست از ادامه اجرای شیوه‌ای که تا کنون بکار برده‌ایم، باین معنی که دشمن را باز تا مدتی (قریب یک ماه) در همان منطقه‌ای که هست، به حرکت واداریم تا او را از خستگی خورد کنیم، او را گرفتار قحطی گردانیم و سپس منتظر فرصت باشیم تا او را نابود کنیم. لازم نیست که نیروهای عمده ما برای حمله به یو لین بسوی شمال و یا برای قطع مسیر عقب‌نشینی دشمن بسوی جنوب بشتابند. باید برای فرماندهان و رزمندگان و همچنین برای توده‌های مردم روشن ساخت که شیوه‌ای که ارتش ما برگزیده، یگانه راهی است که بشکست نهائی دشمن میانجامد. بدون آنکه دشمن را از خستگی خورد کنیم و بدون آنکه او را کاملاً گرسنه گردانیم، نمیتوانیم به پیروزی نهائی نایل آئیم. این شیوه را میتوان تاکتیک "فرسودن" نامید یعنی دشمن را چنان خسته میکنیم که از رمق بیفتد و آنکه او را نابود میکنیم.

۴ - چون شما اینک در مناطق شرقی و شمالی وایاتو بائو مستقرید ، بهتر اینستکه دشمن را بسوی ناحیه شمال این شهر کوچک جلب کنید زیرا آنگاه میتوانید بر قسمت ضعیف نیروهای لیاثو ان (۲) حمله ور شوید و دشمن را بسوی مشرق جلب کنید و سپس خود بسمت ان سای بیچید و دشمن را دوباره بسوی مغرب جلب کنید .

۵ - ولی شما باید در عرض چند روز به تیپ ۳۵۹ (در ترکیب کامل خودش) دستور دهید که آمادگی خود را برای تعرض غافلگیرانه بجنوب پایان برساند تا در عرض يك هفته از تاریخ امروز بتواند بجنوب برود و به منطقه ای که در جنوب خط ین چان - ین ان و در شمال خط ای چوان - لوه چوان قرار دارد ، بطور ناگهانی حمله کند و خط انتقال خواربار دشمن را قطع نماید .

۶ - خواهشمندیم عقیده خود را درباره نظریات فوق اعلام دارید .

یادداشتها

۱ - ارتش آزادیبخش توده ای شمال غربی ، پس از آنکه ین ان را بابتکار خود تخلیه کرد ، تعداد کمی از نیروهای خود را برای جلب توجه نیروهای عمده دشمن و کشاندن آنها تا ان سای واقع در شمال غربی ین ان گماشت و نیروهای عمده خویش را در منطقه چینگ هوا بیان واقع در شمال شرقی ین ان در کمین گذاشت تا دشمن را در لحظه مقتضی نابود سازند . در ۲۵ مارس ۱۹۴۷ يك هنگ گومیندان از تیپ سی و یکم لشکر بیست و هفتم از لشگرهای تجدید سازمان یافته حوزون نان برهبری ستاد تیپ در این دام افتاد و در نبردی که کمی بیش از يك ساعت طول کشید ، بکلی از طرف قوای ما نابود شد .

۲ - لیاثو ان ، فرمانده هفتاد و ششمین لشکر تجدید سازمان یافته نیروهای مسلح گومیندان بود که تحت فرماندهی حو زون نان قرار داشت . او بعدها در نبردی در چینگ چیان در ۱۱ اکتبر ۱۹۴۷ بدست نیروهای مسلح ما اسیر شد .

www.KetabFarsi.com

دولت چانکایشک در محاصره تمام خلق است

(۳۰ و ۱۹۴۷)

دولت چانکایشک که خصم عموم خلق است اینک میبیند که در محاصره عموم خلق افتاده است . این دولت ، در جبهه نظامی و نیز در جبهه سیاسی ، بشکستهای دچار آمده ، از طرف نیروهائی که آنها را دشمن خود خوانده در محاصره قرار گرفته است و هیچ راه گریزی نمییابد . دارودسته خائن چانکایشک و خداوندگاران آنها ، امپریالیستهای آمریکا ، وضعیت را غلط ارزیابی کردند . آنها به نیروی خویش پر بها دادند و نیروی خلق را کم انگاشتند . آنها در این تصور بودند که

متن حاضر تفسیری است که رفیق مائو سه دن برای خبرگزاری سین هوا نوشته است . این تفسیر اشعار میدارد که حوادث چین زودتر از آنچه پیشبینی میشد بسط مییابد ، و از خلق دعوت میشود که کلیه شرایط ضروری پیروزی انقلاب چین در مقیاس سراسر کشور را سریعاً تدارک ببیند . صحت این پیشبینی بزودی باثبات رسید . تفسیر فوق و « رهنمودهائی برای عملیات در صحنه جنگ شمال غربی » هر دو در وان جیا ون از شهرستان جین بیان در شنسی شمالی ، نوشته شده است .

چین و جهان ، پس از جنگ دوم جهانی ، مانند سابق باقی مانده‌اند ؛ هیچ تغییری را نمی‌پذیرفتند و بهیچ کس اجازه نمیدادند بر ضد اراده آنان قد برافرازد . آنان پس از تسلیم شدن ژاپن تصمیم گرفتند نظام کهن را دوباره در چین برقرار سازند . دولت خائو چانگ‌ایشک ، بوسیله نیرنگ سازی‌هایی نظیر مشورت سیاسی و وساطت نظامی ، فرصت بدست آورد و دو میلیون سرباز جمع کرد و به تعرض عمومی پرداخت .

اینک در چین دو جبهه وجود دارد . جبهه اول عبارتست از جنگ میان نیروهای تجاوزکار چانگ‌ایشک و ارتش آزادیبخش توده‌ای . و اکنون جبهه دومی ظهور کرده که عبارتست از مبارزه حاد میان جنبش بزرگ و محفانه دانشجویان و دولت ارتجاعی چانگ‌ایشک (۱) . شعار جنبش دانشجویان اینست : «خوراک ، صلح ، آزادی» و یا «برضد گرسنگی ، برضد جنگ داخلی ، برضد ستمگری» . چانگ‌ایشک به اعلام « تدابیر موقت بمنظور تأمین نظم عمومی » (۲) دست زده است . در همه جا ارتش او ، پلیس او ، ژاندارم‌ها و عمال مخفی او با توده‌های دانشجوی دست بگریبان‌اند . چانگ‌ایشک در برابر دانشجویان بی‌سلاح بزور توسل بسته آنان را در معرض بازداشت ، حبس ، شکنجه و کشتار قرار داده‌است ، و بالنتیجه جنبش دانشجویان روز بروز گسترش مییابد . کلیه محافل اجتماعی با دانشجویان همدردی دارند . چانگ‌ایشک و چاکرانش یکباره منفرد شده‌اند ، و چهره درنده چانگ‌ایشک بکلی بی‌نقاب گردیده‌است . جنبش دانشجویان بخشی از مجموعه جنبش توده‌ای است . مسلماً اعتلاء جنبش دانشجویان موجب اعتلاء مجموعه جنبش توده‌ای خواهد شد . شاهد این امر تجربه تاریخی جنبش ۴ مه ۱۹۱۹ و جنبش ۹ دسامبر ۱۹۳۵ است .

چون اسپریالیسم آمریکا و چاکر او چانکایشك بر جای اسپریالیسم ژاپن و چاکر او وان جین وی نشسته و سیامتی در پیش گرفته اند که هدفش تبدیل چین به مستعمره آمریکا و برانگیختن جنگ داخلی و تقویت دیکتاتوری فاشیستی است آنان باین طریق خودشان را دشمن عموم خلق چین اعلام کرده و همه قشرهای مردم کشور را بر لبه پرتگاه گرسنگی و مرگ کشانده اند . واقعیت مذکور کلیه این قشرها را واداشته است که در مبارزه مرگ و زندگی برضد دولت ارتجاعی چانکایشك با یکدیگر متحد شوند و موجب گسترش سریع این مبارزه گردیده است .

چاره دیگری برای خلق کشور نیست . همه قشرهای مردم چین که از سیامت ارتجاعی دولت چانکایشك ستم میبینند و برای نجات خویش متحد شده اند عبارتند از کارگران ، دهقانان ، خرده بورژوازی شهری ، بورژوازی ملی ، متنفذین روشنبین ، سایر عناصر میهن پرست ، اقلیتهای ملی و چینی های ماوراء بحار . این جبهه متحد ملی بسیار پرمایه ای است .

سیاست بسیار ارتجاعی مالی و اقتصادی که مدتهاست دولت چانکایشك در پیش گرفته اینك در اثر قرارداد بازرگانی چین و آمریکا که قرارداد ییمانند خیانت بمنافع ملی است بازهم بیشتر تقویت شده است .

براساس قرارداد مذکور ، سرمایه انحصاری آمریکا و سرمایه بوروکراتیک - کمپرادور چانکایشك از نزدیک بهم پیوند یافته و زندگی اقتصادی سراسر کشور را تحت نظارت گرفته است . این امر موجب تورم بی اندازه ، ترقی بیسابقه قیمتها ، ورشکستگی روزافزون بنگاههای صنعتی و بازرگانی بورژوازی ملی ، بد شدن مداوم شرایط زندگی توده های زحمتکش ، کارمندان و معلمان گردیده است . در چنین شرایطی راه دیگری برای هیچیک از قشرهای خلق کشور وجود ندارد مگر آنکه متحد

شوند و برای هستی خویش مبارزه کنند .
 سرکوب نظامی و فریبکاری سیاسی ، دو شیوه عمده چانکایشک در
 حفظ سلطه ارتجاعی خویش بوده است . امروزه مردم شاهد ورشکستگی
 سریع این دو شیوه است .

ارتش چانکایشک در تمام عرصه های نبرد دچار شکست شده است .
 در عرض یازده ماهی که از ژوئیه پارسال میگذرد فقط از میان سپاهیان
 منظم چانکایشک قریب نود تیپ نابود شده اند . سپاهیان مذکور دیگر
 آن نخوتی را که سال گذشته در موقع اشغال چان چون ، چن ده ،
 جان جیا کو ، هه زه ، حوای یین ، ان دون و یا حتی همین امسال
 در موقع گرفتن لین ای و یین ان داشتند ندارند . چانکایشک و چن چن
 نیروی ارتش آزادیبخش توده ای و شیوه های نبرد او را غلط ارزیابی
 کردند ؛ عقب نشینی های ما را بخطا ناشی از ترسوئی دانستند و ترک
 بعضی از شهرها را از طرف ما شکست پنداشتند و در عالم پرمدهائی
 خویش امیدوار شدند که نخست در جنوب دیوار بزرگ در مدت سه یا
 شش ماه و سپس در شمال شرقی بکار ما پایان دهند . اما ده ماه گذشته
 است و همه نیروهای تجاوزکار چانکایشک به بن بست افتاده اند . آنها از
 هر سو در محاصره مردم مناطق آزاد شده و ارتش آزادیبخش توده ای
 هستند و دشواریهای بزرگی برای فرار از این محاصره در پیش خواهند
 داشت .

از آنجا که خبر شکستهای سپاهیان چانکایشک هر روز بیشتر و
 بیشتر به پشت جبهه میرسد ، توده های وسیع خلق که در زیر متم دولت
 ارتجاعی چانکایشک بخفقان افتاده اند هر روز امید بیشتری میابند که
 پایان رنج های خویش را به بینند و برهائی برسند . و درست در این

لحظه است که کلیه نیرنگهای چانکایشک در عالم سیاست زود نقش بر آب میشود همانطور که زود بان توسل میجوید . پس همه چیز بر خلاف انتظار مرتجعان روی داده است . حیلله‌هائی مانند دعوت "مجلس ملی" بمنظور تصویب "قانون اساسی" ، تجدید سازمان دولت و تبدیل آن از صورت دولت حزب واحد به "دولت احزاب گوناگون" هدف دیگری جز منفرد ساختن حزب کمونیست چین و سایر نیروهای دموکراتیک نداشت . ولی نتیجه معکوس داد : حزب کمونیست چین و سایر نیروهای دموکراتیک منفرد نشدند بلکه خود مرتجعان منفرد شدند . از این بعد خلق چین بتجربه دریافته است که "مجلس ملی" چانکایشک ، "قانون اساسی" او و "دولت احزاب گوناگون" او در واقع چه معنی میدهد . سابقاً بسیاری از چینیان و بطور عمده عناصری از قشرهای بینابینی درباره این سانورهای چانکایشک کم و بیش پندارهائی در سر داشتند . درباره "مذاکرات صلح" او نیز چنین بود . اینک که او چندین موافقتنامه رسمی متارکه را بیکباره از هم دریده ، اینک که او سرنیزه‌ها را بسوی توده دانشجویانی که هوادار صلح و مخالف جنگ داخلی‌اند بلند کرده است ، هیچکس به مذاکرات ادعائی وی درباره صلح باور نمیکند ، مگر کسانی که قصد راسخ به فریب افراد دارند و یا بکلی فاقد تجربه سیاسی‌اند .

همه حوادث در اثبات صحت ارزیابی‌های ماست . ما پیوسته خاطر نشان ساخته‌ایم که دولت چانکایشک چیز دیگری جز دولت خیانت ملی ، دولت جنگ داخلی و دیکتاتوری نیست . او در تلاش است که حزب کمونیست چین و همه نیروهای دموکراتیک دیگر را با جنگ داخلی نابود گرداند تا چین را به مستعمره آمریکا مبدل سازد و رژیم دیکتاتوری

خویش را نگهدارد. از آنجا که وی این سیاست ارتجاعی را در پیش گرفته از لحاظ سیاسی کلیه حیثیت و کلیه نیروی خود را از دست داده است. قدرت دولت چانکایشک قدرتی گذرا و سطحی است؛ این دولت اگر ظاهراً تواناست واقعاً ناتوان است. تعرض‌های او را در هر جا و در هر جبهه‌ای میتوان درهم شکست. فرجاسی که در انتظار اوست اینست که هوادارانش او را رها کنند، پیروانش بگریزند و ارتش‌هایش بکلی از هم بپاشند. صحت این ارزیابی‌ها را کلیه حوادث اثبات کرده‌است و همچنان اثبات خواهد کرد.

پیشرفت حوادث در چین سریع‌تر از آن است که پیش‌بینی میشد. از يك سو پیروزی‌های ارتش آزادیبخش توده‌ای و از سوی دیگر اعتلاء مبارزه توده‌ای در سرزمین‌های تحت نظارت چانکایشک، و پیشرفت در هر دو سو خیلی سریع است. خلق چین باید در تدارك کلیه شرایط ضروری برای ایجاد چین نوین که از صلح، دموکراسی و استقلال برخوردار باشد تسریع کند!

یادداشتها

۱ - جنبش دموکراتیک و میهن پرستانه توده‌های عظیم دانشجو برضد گرسنگی، جنگ داخلی و ستمگری در مناطق تحت نظارت گومیندان پس از دسامبر ۱۹۴۶ و بموازات گسترش جنگ آزادیبخش توده‌ای باعث نوینی رسید و بتدریج در مبارزه برضد سلطه ارتجاعی چانکایشک بصورت جبهه دوم درآمد. از پایان دسامبر ۱۹۴۶ تا آغاز ژانویه ۱۹۴۷ بیش از ۵۰۰,۰۰۰ دانشجو در ده‌ها شهر بزرگ و متوسط و از آن جمله در بی‌پین، تیائزین، شانگهای و نانکن دست باعصاب زدند و بعنوان اعتراض برهنگ عصمتی که از طرف سربازان آمریکائی نسبت به يك دوشیزه دانشجوی

دانشگاه پکن روی داده بود و برای مطالبه خروج نیروهای مسلح آمریکا از چین نمایش دادند. این مبارزه بیدرنگ مورد پشتیبانی کارگران، معلمان و سایر توده‌های خلق واقع شد. روز ۴ مه ۱۹۴۷ دانشجویان شانگهای برضد جنگ داخلی بنمایش پرداختند. در عین حال ۸,۰۰۰ کارگر و دانشجوی شانگهای کلانتری مرکزی گومیندان را در محاصره گرفتند. این جنبش میهن پرستانه بزودی در نانکن، بی پین، هان جو، شن یان، چینگ دائو، کای فون و بسیاری از شهرهای دیگر گسترش یافت. مرتجعان گومیندان بسرکوبی بسیار وحشیانه جنبش دموکراتیک و میهن پرستانه دانشجویان مبادرت جستند. روز ۲۰ مه بیش از ۱۰۰ نفر دانشجوی در نانکن و تیانزین زخمی و دستگیر شدند. اینست آنچه به "حادثه خونین ۲۰ مه" معروف است. اما جنبش میهن پرستانه دانشجویان که بوسیله توده‌های وسیع خلق پشتیبانی میشد از پای در نیامد. اعتصابات و نمایش‌های دانشجویان در زیر شعار "برضد گرسنگی، برضد جنگ داخلی، برضد ستمگری" و مبارزات توده‌ای برضد آمریکا و چانکایشك، مانند اعتصابات کارگران و معلمان به بیش از ۶۰ شهر بزرگ و متوسط سرایت کرد. در مه ۱۹۴۸ دانشجویان شانگهای باتفاق کارمندان محافل فرهنگی، مطبوعاتی و سایر محافل اجتماعی جنبشی میهن پرستانه برضد پشتیبانی آمریکا از اشیاء نیروهای تجاوزکار ژاپن برانگیختند. این جنبش نیز بزودی شهرهای متعددی را فرا گرفت. باین طریق مبارزات میهن پرستانه دانشجویان تا آنگاه که پیروزی در سراسر کشور بدست آمد هرگز قطع نشد و ضربات سختی بر گومیندان وارد ساخت.

۲ - این تدابیر که در ۱۸ مه ۱۹۴۷ بوسیله دولت چانکایشك اعلام شد هرگونه دادخواستی را که بیش از ده نفر پای آن را امضاء کرده باشند و همچنین کلیه اعتصابات کارگران و دانشجویان و نیز هر میتینگ و نمایش را موكداً قذغن میکرد. بعلاوه به دولتهای محل گومیندان اجازه میداد که بمنظور سرکوب خونین جنبش‌های میهن پرستانه و دموکراتیک خلق به اتخاذ "تدابیر لازم" و "اقدامات فوری" پردازند.

www.KetabFarsi.com

استراتژی سال دوم جنگ آزادیبخش

(۱ سپتامبر ۱۹۴۷)

۱ - ما طی سال اول جنگ (از ژوئیه سال گذشته تا ژوئن امسال) ۹۷ تیپ و نیم از واحدهای منظم دشمن بالغ بر ۷۸۰,۰۰۰ نفر ، واحدهای پوشالی و واحدهای امنیت عمومی و سایر واحدها بالغ بر ۳۴۰,۰۰۰ نفر یعنی مجموعاً ۱,۱۲۰,۰۰۰ نفر را نابود ساختیم . این پیروزی بزرگی بود . این پیروزی ضربه‌ای سنگین بر دشمن وارد ساخت ، باعث شیوع وسیع روحیه شکست‌طلبی در اردوگاه دشمن گردید ، خلق را در سراسر کشور بشور و شوق در آورد و پایه و اساس نابودی کامل

این دستور درون حزبی از طرف رفیق مائو تسه دون که در آنموقع با کمیته مرکزی حزب در جوگوان جای از شهرستان جیا سیان واقع در شمال شنسی مستقر بود ، بنام کمیته مرکزی تنظیم شده‌است . این دستور وظیفه اساسی سال دوم جنگ آزادیبخش را معین کرد ؛ وظیفه مذکور عبارت بود از کشاندن جنگ بوسیله نیروهای عمده ما بمناطق گومیندان و گذار از عملیات در خطوط داخلی به عملیات در خطوط خارجی ، یعنی گذار از مرحله دفاع استراتژیک بمرحله تعرض

ارتش دشمن بوسیله ارتش ما و نیل به پیروزی نهائی را بنا نهاد .

۲ - دشمن طی سال اول جنگ با ۲۱۸ تیپ از ۲۴۸ تیپ منظم خود ، یعنی با بیش از ۱,۶۰۰,۰۰۰ نفر و تقریباً با يك ميليون نفر از واحدهای ویژه (نیروی دریائی ، هوائی ، توپخانه ، واحدهای مهندسی و زرهپوش) و واحدهای پوشالی ، واحدهای پلیس ارتباطات و واحدهای امنیت عمومی به تعرض پردامنه‌ای به مناطق آزادشده دست زد . ارتش ما استراتژی مبتنی بر عملیات در خطوط داخلی را بدرستی بکار برد ، و برای بدست آوردن ابتکار عمل در هر زمان و هر مکان ، از اینکه بیش از ۳۰۰,۰۰۰ نفر تلفات دهد و سرزمین‌های وسیعی باشغال دشمن در آیند ، دریغ نورزید . نتیجه این شد که ما موفق به نابود کردن ۱,۱۳۰,۰۰۰ تن از افراد دشمن شدیم ، دشمن را مجبور کردیم که قوای خویش را پراکنده سازد ، ارتش خودمان را آبدیده و تقویت نمودیم ، و در شمال شرقی ، ژه هه ، مشرق حه به ، جنوب شان سی و

استراتژیک . ارتش آزادبخش توده‌ای طبق نقشه استراتژیک رفیق مائو تسه دون از ژوئیه تا سپتامبر ۱۹۴۷ در سراسر کشور به تعرض دست زد . ارتش صحرائی شانسی - حه به - شان دون - حه نان در ۳۰ ژوئن در ناحیه جنوب غربی شان دون از رودخانه زرد بزور گذشت و در دهه اول ماه اوت از خط راه آهن لون های عبور کرد و وارد کوهستان دابیه شد . واحدهای تائی یوه از ارتش صحرائی شانسی - حه به - شان دون - حه نان در دهه آخر ماه اوت در جنوب شان سی از رودخانه زرد بزور گذشتند و وارد ناحیه غربی حه نان شدند . ارتش صحرائی چین شرقی در آغاز سپتامبر پس از آنکه حمله متمرکز دشمن را عقب زد ، وارد جنوب غربی شان دون شد . در همین ماه واحدهای شان دون از ارتش صحرائی چین شرقی بر ضد دشمن در شان دون شرقی به تعرض دست زدند . ارتش صحرائی شمال غربی در دهه

شمال حه نان به تعرض متقابل استراتژیک پرداختیم و در آنجا سرزمینهای پهناوری را پس گرفتیم و نواحی وسیع جدیدی را آزاد ساختیم (۱).

۳ - در دومین سال جنگ وظیفه اساسی ارتش ما عبارتست از اقدام به تعرض متقابل در سراسر کشور، یعنی بکار انداختن نیروهای عمده برای نبرد بسوی خطوط خارجی، کشاندن جنگ بمناطق گومیندان، نابود ساختن تعداد کثیری از افراد دشمن در خطوط خارجی و برهم زدن کامل استراتژی ضد انقلابی گومیندان که عبارتست از ادامه کشاندن جنگ بنواحی آزادشده، صدمه زدن و فرسودن بازهم بیشتر منابع انسانی و مادی ما تا آنکه ما نتوانیم مدت طولانی پایداری کنیم. در دومین سال جنگ وظیفه فرعی ارتش ما عبارت از اینستکه قسمتی از نیروهای عمده و تعداد کثیری از واحدهای محلی را برای تعقیب عملیات در خطوط داخلی بکار اندازد، دشمن را در آنجا نابود سازد و زمینهای از دست رفته را باز ستاند.

آخر اوت به تعرض متقابل پرداخت. ارتش صحرائی شان سی - چاهار - حه به در آغاز سپتامبر در طول ناحیه شمالی خط آهن بی پین - حان کو تعرض برضد دشمن را آغاز کرد. ارتش صحرائی شمال شرقی بلافاصله پس از تعرض تابستانی خویش در سراسر شمال شرقی، از همان سپتامبر به تعرض پائیزی بمقیاس وسیع در ناحیه چان چون - جی لین - سی پین و در منطقه جین سی - ای سیان، در روی خط آهن بی پین - لیائو نین دست زد. تعرضهایی که در کلیه این صحنههای عملیات صورت میگرفت، تعرض عمومی ارتش آزادیبخش توده‌ای را تشکیل میداد. این تعرض به مقیاس وسیع، جنگ آزادیبخش را به نقطه عطف رسانید و تغییری ریشه‌ای در وضعیت جنگ بوجود آورد. رجوع شود به «اوضاع کنونی و وظایف ما»، جلد حاضر.

۴ - در بکار بردن این اصل یعنی عملیات در خطوط خارجی ، کشاندن جنگ بمناطق گومیندان ، ارتش ما بیگمان با دشواریهای فراوانی روبرو خواهد شد . زیرا که برای استقرار پایگاههای جدید در مناطق گومیندان وقت لازم است و ما نمیتوانیم پایگاههای محکمی برقرار کنیم مگر آنکه تعداد کثیری از افراد دشمن را طی عملیات متحرک متعددی که گاهی پیشروی و گاهی عقب نشینی دارد ، نابود سازیم ، توده ها را بسیج نمائیم ، زمینها را تقسیم کنیم ، ارگانهای قدرت سیاسی خود را مستقر گردانیم و نیروهای مسلح خلق را سازمان دهیم . تا آن هنگام ، دشواریها زیاد خواهند بود . اما میتوان و باید بر آنها غلبه کرد . زیرا که دشمن مجبور خواهد شد باز هم بیشتر پراکنده شود ، و سرزمینهای پهناوری برای تشکیل عرصه عملیات متحرک ارتش ما فراهم خواهند آمد و باین ترتیب ما خواهیم توانست بچنگ متحرک دست بزنیم ؛ در این سرزمینها توده های وسیع خلق از گومیندان نفرت دارند و از ارتش ما پشتیبانی میکنند ؛ و اگر چه بخشی از نیروهای دشمن هنوز قدرت رزمی نسبتاً زیاد دارد ، ولی بطور کلی روحیه دشمن و قدرت رزمی اش نسبت بسال گذشته بمراتب پائین تر و ضعیفتر گشته است .

۵ - کلید پیروزی عملیات ما در مناطق گومیندان ، اینستکه اولاً موقع مناسب برای نبرد را بخوبی بشناسیم ، بیباک و مصمم باشیم و هر چه بیشتر پیروزی بدست آوریم ؛ ثانیاً سیاست جلب توده ها را با قطعیت بکار بریم ، به توده های وسیع امکان بدهیم که منافع بدست آورند تا جانب ارتش ما را بگیرند . اگر این دو نکته تحقق پذیرد ، پیروزی ما حتمی خواهد بود .

۶ - تا پایان اوت امسال وضع نیروهای دشمن و از آنجمله نیروهای

که نابود شده و یا ضربات شکننده خورده‌اند ، باین ترتیب بود : ۱۵۷ تیمپ در جبهه جنوب ، ۷۰ تیمپ در جبهه شمال و ۲۱ تیمپ در پشت جبهه گومیندان . مجموعه نیروهای دشمن در سراسر کشور کمافی‌السابق ۲۴۸ تیمپ و تعداد واقعی نفراتشان تقریباً ۱,۵۰۰,۰۰۰ بود ؛ تعداد افراد واحدهای ویژه ، سپاهیان پوشالی ، واحدهای پلیس ارتباطات و واحدهای امنیت عمومی و غیره تقریباً ۱,۲۰۰,۰۰۰ نفر بود ؛ تعداد افراد غیرنظامی در ارگانهای نظامی پشت جبهه تقریباً ۱,۰۰۰,۰۰۰ نفر ، و باین ترتیب نیروهای دشمن مجموعاً بالغ بر ۳,۷۰۰,۰۰۰ نفر میشد . در میان واحدهای جبهه جنوب ، ۱۱۷ تیمپ متعلق است به گروه گوجو تون ، ۷ تیمپ به گروه چن چیان و دیگران ، و ۳۳ تیمپ به گروه حو زون نان . از ۱۱۷ تیمپ گروه گوجو تون ۶۳ تیمپ نابود شده و یا ضربات شکننده خورده‌اند . از میان آنها ، بعضی‌ها هنوز به تکمیل نفرات خویش نپرداخته‌اند ؛ بعضی دیگر اگر چه باین کار اقدام کرده‌اند ، ولی از لحاظ نفرات کم و از لحاظ قدرت رزمی ضعیفند ؛ و بعضی دیگر اگر چه از لحاظ نفرات و اسلحه نسبتاً خوب تأمین شده‌اند و تا حدودی قدرت رزمی خویش را باز یافته‌اند ، ولی از گذشته بمراتب ضعیفترند . فقط ۴۵ تیمپ باقی مانده‌اند که تاکنون نابود نشده و یا ضربات شکننده نخورده‌اند . از مجموع نیروهای گوجو تون ۸۲ تا ۸۵ تیمپ به خدمات پادگانی مشغولند و یا فقط میتوانند برای مانورهای محلی مورد استفاده قرار گیرند . فقط ۳۲ تا ۳۵ تیمپ میتوانند در مانورهای استراتژیک بکار روند . ۷ تیمپ گروه چن چیان و دیگران بطور کلی میتوانند فقط در خدمات پادگانی مورد استفاده قرار گیرند و یکی از آنها دیگر ضربه شکننده خورده‌است . از ۳۳ تیمپ گروه حو زون نان (و از آنجمله تیپهایی که در مشرق لان

جو و در جنوب نین سیا و یولین و در مغرب لین فن و لوه یان مستقرند (۱۲ تیپ نابود شده و یا ضربات شکننده خورده‌اند . فقط ۷ تیپ می‌توانند در مانورهای استراتژیک مورد استفاده قرار گیرند ، بقیه به خدمات پادگانی گماشته میشوند . در جبهه شمال ، دشمن مجموعاً ۷ تیپ دارد که از آنها گروه شمال شرقی شامل ۲۶ تیپ است که ۱۶ تای آنها نابود شده و یا ضربات شکننده خورده‌اند ؛ گروه سون لیان جون ۱۹ تیپ دارد که ۸ تای آنها نابود شده و یا ضربات شکننده خورده‌اند ؛ فوزه ای ۱۰ تیپ در اختیار دارد که ۲ تای آنها ضربات شکننده خورده‌اند ؛ ین سی شان ۱۵ تیپ تحت فرماندهی دارد که ۹ تای آنها نابود شده و یا ضربات شکننده خورده‌اند . اکنون این واحدهای دشمن بطور عمده در حالت دفاعی هستند و فقط بخش کوچکی از آنها می‌تواند به عملیات متحرک دست بزند . گومیندان در پشت جبهه خود فقط ۲۱ تیپ برای خدمات پادگانی در اختیار دارد . از آنها ۸ تیپ در سین جیان و در غرب گلن سو ، ۷ تیپ در سی چوان و سی کان ، ۲ تیپ در یون نان ، ۲ تیپ در گوان دون (یعنی لشکر ۶۹ که نابود شد) و ۲ تیپ در تایوان مستقر اند . در ۶ استان خونان ، گوان سی ، گوی جو ، فوجیان ، جه جیان و جیان سی واحدهای منظم وجود ندارند . گومیندان در نظر دارد که اسسال باکمک آمریکا یک میلیون نفر سرباز بگیرد تا نیروهای مسلح جبهه را تکمیل کند و تعدادی از تیپهای جدید و هنگهای تکمیلی را تعلیم و تربیت دهد . اما اگر ارتش ما بتواند همانطور که در سال اول جنگ عمل کرد ، ماهیانه بطور متوسط ۸ تیپ دشمن را نابود سازد ، یعنی در سال دوم ۹۶ تا ۱۰۰ تیپ دیگر را از بین ببرد (هم اکنون در ژوئیه و اوت ۱۶ تیپ و نیم نابود شده‌اند) ، در آنصورت ارتش دشمن

باز هم ضعیفتر خواهد شد ، نیروهای ذخیره استراتژیک وی بحد اقل خواهند رسید و بدون شك مجبور خواهند شد که در سراسر کشور حالت دفاعی بخود بگیرند و از هر سو مورد حمله با قرار خواهند گرفت . گرچه گومیندان در نظر دارد که يك میلیون سرباز بگیرد و تیپهای جدید و هنگهای تکمیلی را تعلیم و تربیت دهد ، ولی این هیچ کمکی باو نخواهد کرد . از آنجا که گومیندان بزور و از طریق استخدام سز دور سرباز میگیرد ، مسلماً جمع آوری يك میلیون سرباز برایش مشکل خواهد بود و بعلاوه تعداد زیادی از آنها فرار خواهند کرد . از طرف دیگر ارتش ما که اصل عملیات در خطوط خارجی را بکار میبرد ، خواهد توانست از منابع انسانی و مادی دشمن بکاهد .

۷ - اصول عملیات نظامی ارتش ما همان است که قبلاً معین شده است :

باید نخست به نیروهای پراکنده و منفرد دشمن حمله کرد (این اصل در مورد عملیات بزرگ نابود کننده که در عین حال علیه چندین تیپ صورت میگیرد ، نیز صادق است ، مانند عملیات لای او (۲) در فوریه و عملیات جنوب غربی شان دون (۳) در ژوئیه امسال) و سپس به نیروهای متمرکز و نیرومند دشمن .
باید نخست شهرهای کوچک و متوسط و مناطق وسیع روستائی را تصرف کرد و سپس شهرهای بزرگ را .

باید نابودی نیروی مؤثر دشمن را هدف عمده خود قرار داد ، نه حفظ یا تصرف شهرها و سرزمینها را . حفظ یا تصرف شهرها و سرزمینها نتیجه نابودی نیروی مؤثر دشمن است ، و غالباً يك شهر یا يك منطقه زمانی میتواند بخوبی حفظ و یا بطور نهائی تصرف

شود که چند بار دست بدست گشته باشد .

باید در هر نبرد نیروهای نظامی مطلقاً برتر را متمرکز ساخت ، باید قوای دشمن را از چهار طرف بحلقه محاصره انداخت ، سعی در نابودی کامل آن نمود و نگذاشت حتی يك نفر هم فرار کند . در شرایط خاص باید از شیوه فرود آوردن ضربات خرد کتنه بر دشمن استفاده کرد ؛ بدین معنی که ما باید با تمرکز تمام نیرو از روبرو بدشمن حمله کنیم و در عین حال بيك یا دو جناح آن نیز حمله بریم ، البته با این هدف که بخشی از نیروهای دشمن را نابود ساخته و بخش دیگر را تارومار کنیم تا ارتش ما بتواند بسرعت واحدهای خود را برای در هم کوبیدن سایر نیروهای دشمن بکار اندازد . از یکطرف ، باید توجه داشت که بدون آمادگی قبلی و بدون اطمینان به پیروزی بهیچ نبردی دست نزد ؛ قبل از هر نبرد باید تمام مساعی را برای تهیه تدارکات لازم و تضمین پیروزی در شرایط موجود بین خود و دشمن بکار برد ؛ از طرف دیگر باید شیوه پسندیده رزمی خود - یعنی تهور داشتن در نبرد ، نترسیدن از قربانی ، بیاعتنا بودن بخستگی و استقامت در پیکارهای مداوم (بمفهوم نبردهای متوالی در مدت کوتاه) را شکوفا ساخت .

باید کوشید که دشمن به جنگ متحرك کشیده شود ، ولی در عین حال باید به آموختن تاکتیکهای حمله موضعی و تقویت توپخانه و واحدهای مهندسی اهمیت خاص داد تا به تصرف تعداد کثیری از نقاط استحکامی و شهرهای دشمن نایل آمد .

باید تمام آن نقاط استحکامی و شهرهای دشمن را که نیروی دفاعی ضعیف دارند ، بدون لحظه‌ای تأمل تصرف نمود . در فرصت

مناسب باید تمام نقاط استحکامی و شهرهای دشمن را که دارای نیروی دفاعی متوسط‌اند ، در صورتیکه شرایط اجازه دهد ، تصرف کرد ، در مورد تمام آن نقاط استحکامی و شهرهای دشمن که قدرت دفاعی نیرومندی در اختیار دارند ، باید منتظر ماند تا شرایط برای تصرف آنان آماده گردد .

باید قدرت خود را با تمام سلاحها و تجهیزاتاتی که از دشمن به غنیمت گرفته شده و همچنین با قسمت اعظم اسرای جنگی (۸۰ تا ۹۰ درصد سربازان و عده قلیلی از افسران جزء) تکمیل کرد . باید بکوشیم نیروهای خود را بطور عمده از قبل دشمن و از نواحی گومیندان تکمیل کنیم و فقط قسمتی از آنها را از نواحی آزادشده قدیم بدست آوریم . این مطلب بخصوص در مورد ارتشهای جبهه جنوب صادق است .

در کلیه مناطق آزادشده ، خواه جدید و خواه قدیم ، باید اصلاحات ارضی را مصممانه عملی گردانیم (این اساسی‌ترین شرط برای از پیش بردن جنگ طولانی و بدست آوردن پیروزی در سراسر کشور است) ، تولید را بسط دهیم ، جداً صرفه‌جویی کنیم و صنایع جنگی را تقویت کنیم - همه چیز برای پیروزی در جبهه . تنها از این طریق است که ما خواهیم توانست جنگ طولانی را از پیش ببریم و در سراسر کشور پیروز شویم . اگر واقعاً چنین عمل کنیم ، مسلماً خواهیم توانست جنگ طولانی را از پیش ببریم و در سراسر کشور پیروز شویم .

۸ - آنچه که در بالا تشریح شد ، ترازنامه نبردهای سال اول و اصول نبردهای آینده است . از رفقای رهبری در مناطق مختلف خواستاریم که مضمون آنها در ارتش باطلاع کلیه کادرها از مرتبه

هنگ بیالا ، در محل از مرتبه کمیته نواحی ویژه حزب بیالا و همچنین از مرتبه کمیساریای نواحی ویژه بیالا برسانند ، تا آنکه هر کس بخوبی بداند وظیفه اش چیست و آنرا با استواری تزلزل ناپذیر بانجام برساند .

یادداشتها

۱ - تعرض متقابل استراتژیک ارتش ما در شمال شرقی ، ژه هه ، مشرق حه به ، تعرض تابستانی ۱۹۴۷ بود که بوسیله ارتش آزادیبخش توده‌ای شمال شرقی صورت گرفت . این ارتش از ۱۳ ماه مه در این جبهه‌ها همزمان به تعرض دست زد و تا اول ژوئیه بیش از ۸۰,۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساخت و بیش از ۴۰ مرکز شهرستان را دو باره بتصرف درآورد . باین طریق نقشه دشمن که در نظر داشت مناطق آزادشده شمال شرقی چین را از هم مجزا گرداند ، نقش بر آب گشت . نیروهای دشمن که بدرون دو دالان تنگ در طول راه آهن چان چون چینی و راه آهن بی پین - لیائو نین رانده شده بودند ، مجبور شدند باصطلاح به " دفاع از نقاط کلیدی " پردازند . بالنتیجه وضعیت شمال شرقی چین بکلی تغییر یافت . تعرض متقابل استراتژیک در جنوب شانسی و شمال حه نان شامل است بر تعرضهایی که از مارس تا مه ۱۹۴۷ بوسیله ارتش آزادیبخش توده‌ای شانسی - حه به - شان دون - حه نان در شمال حه نان و در دو طرف خط راه آهن داتون - پوجو در جنوب شان سی صورت گرفت . سپاهیان ما در شمال حه نان در ۲۳ مارس شروع بحمله کردند و پس از آنکه ین جین ، یان او ، پو یان و فون چیو را یکی پس از دیگری بتصرف در آوردند ، بسوی شمال تاخستند تا از این کامیابیها بهره‌برداری کنند . آنها تا ۲۸ مه مراکز شهرستانهای چی سیان ، جیون سیان ، حوا سیان و نان بین را نیز بتصرف در آوردند و بیش از ۴۵,۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساختند . سپاهیان ما در جنوب شانسی در ۴ آوریل به تعرض دست زدند و تا ۴ مه ۲۲ مرکز شهرستان و از آنجمله چیووه ، سین جیان و یون جی و همچنین دو لنگرگاه مهم رودخانه زرد یعنی یو من کو و فون لین دو را بتصرف در آوردند و بیش از ۱۸,۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساختند .